

چگونه میتوان فرانسوی بود؟!

دکتر عزیزاله سلیم پور
نیس - فرانسه



سابرینا دراستپانی

ادبی خود از شهر نیس تجلیل بعمل آورده اند.

راستی به چه دلیل آنها به این شهر علاقمند شدند؟ جواب آن را میتوان در چهار فرضیه یافت.

- نیس در موقعیت بیماری
- نیس در ایام غم و اندوه
- نیس از دیدگاه ادبی
- و در میان نویسندگان معاصر، فرصتی برای بازگشت به ریشه خود.

میتوان تصور کرد که همه چیز در باره شهر نیس ذکر شده است. در حالیکه، ادبیات، یک دید محدود و یک دید پنهان ارائه میدهد که ما به این دو موضع خواهیم پرداخت.

از دیدگاه محدود، معرفی جزئی، بحث آگیز و متضاد است، زیرا تحسین و تمجید از مکان، همراه با بی تفاوتی و حتی تحقیر مردم میباشد.

برای تعریف از شهر میتوان چند مثال زد:

«فلوبر» نویسنده سرشناس فرانسوی از نیس بعنوان آکروپل که در یونان قدیم بنا شده یاد کرده است. آکروپل بنایی است در یونان که در زمان جنگ مردم در آن پنهان میشدند.

لویی نوسرا (Louis Nucera) نویسنده نیسی، شهر را به سرزمین پریان تشبیه کرده،

و ماری ب (Marie B.) در باره زیبایی این شهر چنین میگوید:

سرزمینی است که دوستش داریم،

علیرغم ایتالیا، علیرغم رم، علیرغم اسپانیا

و زیبایی این دیار، انسان را به مرز جنون می کشاند.

به عقیده هانری بوسکو (Henri Bosco) هنرمند و نویسنده، مردم این خطه که نیسوا (Nicois) خطاب می شوند، در عین حال به بر و بحر وابستگی دارند.

او چنین میگوید: زمانیکه بر تپه های شهر ایستاده ایم، با مانعی روبرو می شویم که چشم ناچار به روح خیره میشود.

همچنین به روایتی، ادوارد مونچ (Edvard Munch) در سال ۱۸۹۳ میلادی، برای کشیدن تابلوی معروف خود «LeCri» یا «فریاد» - از زیبایی و لطافت این منطقه الهام گرفته است.

سردبیر ارجمند پیام

خوشوقتم به اطلاعاتان برسانم که دو سال پیش در شهر نیس انجمنی بنام انجمن فرهنگی ایران و فرانسه را افتتاح کردیم. رئیس افتخاری این انجمن را آقای «رودی سال» (Rudy Sale) نایب رئیس مجلس شورای ملی فرانسه قبول کرد و اینجانب افتخار ریاست هیئت مدیره آنرا دارم. انجمنی است غیر سیاسی و غیر انتفاعی که هدفش شناساندن فرهنگهای ایران و فرانسه به شهرنشینان جنوب فرانسه است چرا که میدانیم سیاست کشورها تغییر میکند، سیاستمداران میآیند و میروند اما آنچه پابرجاست فرهنگ انسانهاست.

خوشبختانه افراد هیئت مدیره این انجمن با عشق و علاقه و صمیمیت واقعی زحمت میکشند و فعالیت های آنان مورد تشویق هم میهنان و دوستان فرانسوی است. در جشنی که در ۱۳ نوامبر در نیس برگزار کردیم، سعی نمودیم تا میهمانان را با جشنهای باستانی مهرگان و سده از یک طرف و با تاریخ فرهنگی و ادبی شهر نیس از طرف دیگر آشنا کنیم. این جشن که با موسیقی و آواز و رقص توسط هنرمندان گرامی انجام شد با پذیرائی کوکتل پایان یافت و مورد توجه همگان قرار گرفت. فکر کردم اگر محتویات این جشن را برای پیام بفرستم بی جا نباشد لذا در این شماره مقاله خانم سابرینا در استپانی که ترجمه سخنان پروفیسور «ژان ماری رنو» نویسنده و رئیس افتخاری دانشکده حقوق نیس است را خدمتتان میفرستم و در شماره های بعدی سخنرانی هائی که در باره دو جشن مهرگان و سده شده است را ارسال خواهم داشت.

برای اطلاع بد نیست که بدانید خانم سابرینا دراستپانی گوینده برنامه فارسی رادیوی نیس است که توسط آقای عبدالله قراگوزلو اداره میشود. او صدای زیبایی دارد و مهارتش در زبان فارسی چشمگیر است.

نیس - ۲۵ نوامبر ۲۰۱۱

چگونه میتوان فرانسوی بود؟

بویژه چگونه میتوان نیسی بود؟

برای پاسخ دادن به این سؤال باید به ادبیات رجوع کرد. نویسندگان سرشناسی چون آپولینر (Apollinaire) آکساندر دوما (Alexandre Dumas) - فلوبر (Flaubert) - استاندال (Stendhal) - نیچ (Niche) - ماکس گالو (Max Gallo) - لکلوزیو (Leclosio) و لوئی نوسرا (Louis Nucera)، در آثار

و باید اضافه کرد که طی قرن گذشته، شهر نیس چنان مورد توجه و تحسین دیگر ممالک اروپائی قرار گرفته بود که پادشاهان، ملکه ها و امپراتورها، چون لوبارون و اندرو وایز (Le Baron Vanderwise) -

کونت ویژیه (Comte Vigier) -
کنتس تولستی (Comtesse Tolsti) -
مادام دوگیز (Madame de Guize) و
بسیاری از شخصیت های
تاریخی این شهر را برای
زندگی انتخاب کرده بودند.

چه بسا تصور میشود که
نیسی های اصیل در ویلاهایی
به سبک باروک زندگی
می کنند ولی چنین نیست، آنها
در مناطقی از شهر نظیر محل

مانوفاکتور دوتاباک یا کارگاه دخانیات، یا نزدیک زندان، یا
کارخانه آجوسازی سابق سکنی گزیده اند.

و اما در تحقیر و کوچک کردن مردم این شهر، تطابق
فکری میان نویسندگان بسیار چشمگیر است، تا آنجا که میتوان
از سه عبارت که دائم برمیگردند، نام برد:

- نیس، شهر بیمارهاییست که طاقت سرما را ندارند.

- نیس، شهری که بخاطر پول، فساد در آن بیداد میکند.

- و بالاخره شهر نیس، به شهر تنبل ها مشهور است.

که در این باره «دو سوزا» (Desuza) می گوید:

«به بی کفایتی و عدم صلاحیت جنوبی ها - نیسی ها، تنبلی
شرقی ها را اضافه کرده اند.»

- فلوبر (Flaubert) - از فقر و تنگدستی مردم آن نوشته و
حتی کارناوال نیس، که باید زمان شادی و خوشحالی باشد،
زنده و وحشیانه توصیف شده است.

ولی پروفیسور ژان ماری رنو (Jean Marie Rainaud)
شخصیت هایی را معرفی می کند که نیسی ها با آنها آشنایی
کامل دارند. آنان با علاقه شاخص و با شهامت کامل عمر خود
را با کار کردن سپری کرده اند.

لاسیگالوزا (La Cigalusa) بانویی که سیگارها را در کارگاه
با دست می پیچید.

لابوگادیر La Bugadiere بانویی که برای امرار معاش،
رخت و لباسها را در رودخانه «پایون» (Paillon) می شست.

لویی نوسرا تقریباً تنها شخصی است که از این جمع کثیر
نقل میکند. گویی که ادبیات روح عمیق نیسی ها را به فراموشی
سپرده است.

اما دید پنهان

همانطور که قبلاً ذکر کردیم، از آنجا که ادبیات کمی به
این مردم کم لطفی کرده است، میتوان به سه بنای یادبود
اشاره کرد که روحیه آنها را
توصیف می کنند.

ساعت خورشیدی لیسه
ماسینا (Lycee Massena)
که به خوشبختی دعوت
میکند. گوئی چنین می
سراید:

«ساعتها را نمی شمارم،
مگر ساعتهای خوشحالی
را.»

با تجربه ای که طی
سالیان کسب کرده است،
پروفیسور رنو توضیح میدهد



که مردم نیس همواره به دنبال آزادی میگردند.

- بنای دیگر از تورن (Torrin) و گراسی (Grassi) یاد
میکند که قربانی نازیسم شدند و به آنژ (Ange) و سرافان
(Seraphin) ملقبند، که یک شخصیت سرشناس که به قایقران
معروف است، آنها را جاودان معرفی میکند که در بدآنژ (Baie
des Anges) یا خلیج کوچک ملائک پارو میزندند.

- و بالاخره، سومین بنای یادبود، در ژاردن آلبرت پرومیه
(Jardin Albert 1er) قرار گرفته، که الحاق شهر نیس به
فرانسه را نشان میدهد، که مجدداً یادآور خواست دستیابی
نیسی ها به آزادی است.

زیرا اگر تاریخ را بررسی کنید، در ۲۱ ژوئیه ۱۸۵۸ رئیس
شورای ساردنی (Sardaigne) - ایتالیا، کامیو کاوور (Camillo
Cavour) محرمانه با ناپلئون سوم دیدار کرده و طی مذاکراتی،
ناپلئون کمک خود را برای اتحادیه ایتالیا پیشنهاد میکند، به
شرطی که پاپ در رم حاکمیت کند و نیس و منطقه ساووا
(Savoie) که در جنوب شرقی فرانسه قرار دارد، به این کشور
بازگردند که بالاخره در تاریخ ۱۴ ژوئن ۱۸۶۰ دسته های
نظامی وابسته به امپراتوری فرانسه وارد نیس شده و الحاق شهر
را به کشور فرانسه اعلام میدارند.

اگر تمسخر، اخم و تظاهر در نیس رایج است، بانوان نیسی
از زیبارویی محروم نیستند و هنوز میتوان با انسانهایی برخورد
کرد که روحشان پاک است و خنده از لبانشان نمی افتد.

و به راستی این انسانها وجود دارند، چرا که شخصاً با آنها
روبرو شده ام.

کافی است که به بی ریایی و پاکی کودکان بازگشت.